

معوقه‌های بانکی: هزار و دومین مشکل!

مطالبات معوق نظام بانکی حکایت از معضلات چند بُعدی نظام اقتصادی-مالی کشور دارد.



تبدیل شده است، چرا که به وضعیت اقتصادی و مدیریتی بنگاه‌ها آسیب وارد می‌کند و با سوق دادن واحدهای اقتصادی به ورشکستگی، به معوقه‌ها دامن می‌زند.

علاوه بر این، نگرش

برخی از اقدار جامعه هم

در افزایش مطالبات بانکی بی‌تأثیر نبوده است. بسیاری از افرادی که به هزار و یک در می‌زنند تا بتوانند از راهی، وامی برای خود دست و پا کنند، حال آن که از ابتدای امر، اصلاً هیچ نیتی برای بازپرداخت بدهی خود ندارند و به اصطلاح می‌گویند "حالا وام را بگیریم، چه کسی می‌خواهد آن را پس دهد!" حتی برخی پایشان را هم از این فراتر می‌گذارند و معتقدند، حالا که دولت سهمی از فروش نفت نصیبشان نمی‌کند، باید این گونه طلبشان را از بانک‌ها بگیرند! دود چنین تفکرات غلطی، اول از همه به چشم کارآفرینان و بنگاهداران اقتصادی می‌رود و آنها را در تأمین مالی خود دچار مشکل می‌کند.

بانکداری بدون ربا: در نظر و در عمل

یقیناً اگر نظام بانکی کشورمان مبتنی بر بانکداری واقعی اسلامی پایه ریزی شده بود و در تمام مراحل ابتدایی تا انتهایی عقود مبادله‌ای، به صورت مستمر نقش نظارت (Supervision) و مشارکت (Participation) را در پروژه اقتصادی به کار می‌بست و خود را در سود و زیان وام گیرنده سهیم می‌دانست، اصلاً مطالبه معوقی به وجود نمی‌آمد که اکنون چنین سر و صدایی در جامعه به پا کند. متأسفانه روش‌های اجرایی بانکداری و مالیه اسلامی هم - آن طور که در کشورمان اجرا می‌شوند - چاره ساز نیستند. نگاه کنید به اوراق مشارکت که توسط حوزه و دانشگاه ابداع شدند و قرار بود به صورت اسلامی و مشارکتی منتشر شوند، ولی به هیچ عنوان انتظارات را برآورده نکردند. ناگفته نماند که برخی از صاحب نظران معتقدند بانک اسلامی - در عمل - نوعی شرکت سرمایه گذاری است.

پیامدها و عکس‌العمل‌ها

اگر وضعیت مطالبات معوق به همین صورت باقی بماند، تشدید شرایط رکودی و افزایش نرخ بیکاری در کشور امری طبیعی به شمار خواهد رفت. مضاف بر این، عدم بازپرداخت بدهی به بانک‌ها - با عکس‌العملی که دولت و بانک مرکزی نشان خواهند داد - می‌تواند منجر به افزایش نشر پول در گردش شود. این عکس‌العمل، افزایش تقاضا را به همراه خواهد داشت و از آنجا که چنین تقاضایی در چارچوب برنامه ریزی تصمیم گیران اقتصادی کشور گنجانده نشده و طرف عرضه با آن به حرکت در نخواهد آمد، افزایش تورم دور از ذهن نخواهد بود.

تضعیف بخش خصوصی در قیاس با بخش دولتی به دلیل تزریق باقیمانده منابع بانکی به بدنه دولتی از دیگر پیامدهای تداوم مطالبات معوق بانکی است.

البته این را بگوئیم که انتقاد ما نسبت به دریافت وام دولت و شرکت‌های دولتی از نظام بانکی نیست، بلکه بکارگیری منابع اندک حال حاضر برای پروژه‌های نه چندان پربازده دولتی مورد انتقاد است.

رشد سرسام آور مطالبات معوق در طول سالیان گذشته، دست بانک‌های کشور را در ارائه تسهیلات بسته و آنها را در حمایت از تولید، کم‌توان‌تر کرده است. ما که هدفمان پشت سر گذاشتن رقیبان منطقه‌ای و جهانی است، باید از اقتصاد پویا (و سالم) و بخش‌های هماهنگی برخوردار باشیم. نظام مالی کشورمان همیشه مشکل آفرین بوده و حال مشکل آفرین‌تر شده است. طبیعتاً لازم است زیرساخت‌های دستیابی به رتبه یک منطقه‌ای را از قبل فراهم کرده باشیم و مشکلات بنگاه‌های اقتصادی که ما را به این هدف می‌رسانند از میان برداشته شوند. مطالبات معوق که منابع مالی بانک‌ها را کاهش داده است، یکی از هزاران مشکلی است که پیش روی تولید کنندگان و کارآفرینان ایرانی قرار دارد و به چوبی لای چرخ تولید تبدیل شده است. قطعاً هیچ عذر و بهانه‌ای برای چنین حجمی از مطالبات معوق قابل قبول نیست. برخی از برآوردهای غیررسمی حکایت از نرخ ۳۰ تا ۴۰ درصدی نسبت معوقه‌ها به کل مانده اعتبارات بانکی دارند که اگر چنین باشد فاجعه است.

بانکداری دولتی، یکی از مواردی است که در پیدایش مطالبات معوق دخیل بوده است. بانک‌های دولتی نه تنها انضباط قابل انتظاری ندارند، بلکه در ارزیابی اقتصادی و ریسک‌های متقاضیان مشکل جدی دارند. از طرف دیگر، نیروی زحمتکش بانکی هم آن طور که باید، با روش‌های مدرن و روز دنیا تربیت نمی‌شود و انگیزه هم ندارد. علاوه بر این، در حالی که مسایل مربوط به ریسک اهمیت فراوانی دارند، اما "شناسایی ریسک" و "توجیه اقتصادی" در نظام بانکی کشور، مسایلی بی‌معنا است و جای بسی تعجب است که با وجود این همه ریسک در کشور، از شناسایی و مدیریت آنها مغفول مانده‌ایم.

از سوی دیگر، اکثر مطالبات معوق به شرکت‌های دولتی مربوط است. تصور کنید نظام بانکی دولتی در کنار نظام اقتصادی دولتی چه وضعیتی را به وجود خواهد آورد. چنین وضعیتی برای اقتصاد کشور مضر است و کارایی نخواهد داشت و بدتر آن که نظام سیاسی-اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد. «اقتصاد ایران» در طول سالیان خدمت خود به اقتصاد و اجتماع کشور، مردم و دولت‌ها، بارها در این رابطه هشدار داده است.

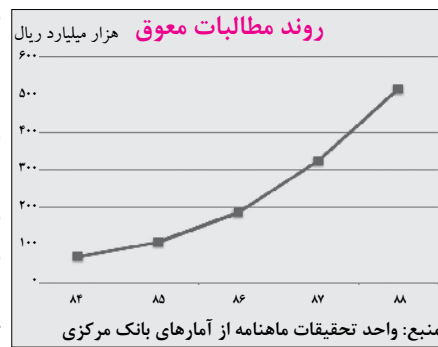
از سرمایه تا کسب و کار

مشکل دیگر در نظام بانکی کشور، نبود نظارت نوین و مقبول بر دارایی‌ها و بدهی‌های نظام بانکی است. به عبارت دیگر، از وجود یک سازمان ناظر بانکی توانا که حسابرسی و ممیزی (Auditing & Examining) نوین را ببلند و آن را وظیفه اصلی خود قلمداد کند و بر آن تمرکز کند، بی‌بهره‌ایم.

عدم کارآمدی بازار سرمایه در خصوص تأمین مالی بنگاه‌ها که بانک‌ها را هدف اول متقاضیان تأمین مالی قرار داده است، دلیل دیگری برای افزایش مطالبات معوق بانکی به شمار می‌رود. با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۸۴ انتظار بیشتری از شورای بورس و اوراق بهادار، سازمان بورس و اوراق بهادار و همچنین شرکت‌های بورس می‌رفت. اما بسیاری

از انتظارات و امیدها برای تأمین مالی منطقی واحدها و بخش‌های اقتصادی - چه دولتی و چه بخش خصوصی - برآورده نشده است. فقدان اوراق بهادار نوین از آن جمله است.

نظام کسب و کار نامتقارن کشور هم که به قوز بالای قوز



راهکارهای پیشنهادی

از اعتبار سنجی های مدرن با بهره گیری از گزارش های کفایت سرمایه که امروز در عموم مؤسسات وام دهنده دنیا موسوم است در کنار مدیریت ریسک، کمک می کند تا بانکها با اندازه گیری درصد احتمال عدم بازپرداخت وام، ذخیره احتیاطی مربوط به آن را در خزانه خود نگهداری نمایند تا از عواقب نامناسب معوقه شدن مطالبات خود در امان بمانند. بلافاصله نیز باید تقویت جدی نظارت بر بانکها را در دستور کار قرار داد! لازم است تک تک بانکها نیز "خود-انضباط" شوند وگرنه آتش همان است و کاسه همان. در نظام بانکی و بازار سرمایه کشور کار زیاد داریم و یاد این جمله معروف باشیم که پیشگیری بهتر از درمان است. ■

موضوع اصلی یا کاور استوری (Cover Story) این شماره «اقتصاد ایران» را در رابطه با «معوقه های بانکی: علل، آثار پیامدها» در صفحات ۳۰ - ۳۳ می خوانیم.

چالش خلیج مکزیک و درس هایی برای ایران

انگشت هایی که به BP نشانه رفتند



ارزیابی دکتر سهراب شهایی، استاد دانشگاه روابط بین الملل وزارت خارجه و عضو هیأت چشم انداز «اقتصاد ایران»، از انفجار سکوی نفتی شرکت بریتیش پترولیوم

بی پی، خسارتی در حدود ۳۳ میلیارد دلار به آنها وارد آمده است؛ کما این که تاکنون بیش از ۲/۵ میلیارد دلار هزینه کرده و در پی توافق با دولت آمریکا قرار است که ۲۰ میلیارد دلار هم برای جبران خسارت آسیب دیدگان این ماجرا اختصاص دهد.

دادگاه اقتصادی جهانی

آنچه مشخص است، در کشوری مثل آمریکا با دولت و رسانه های قوی و سازمان های مردمی و همچنین داشتن بزرگترین سرمایه گذاری های بی پی، فشار بر شرکت مذکور در جهت مقابله و جبران خسارات این انفجار، بسیار زیاد بوده است. اما یقیناً وقوع حادثه مشابه در سواحل کشورهایی مثل لیبی یا نیجریه نمی توانست این چنین مدیران بی پی را به چالش بکشد و برای مثال، چنانچه دولت این کشورها رؤسای شرکت بی پی را احضار می کردند، بعید بود آنها در چنین مدت کوتاهی پای میز مذاکره حاضر شده، تقصیر را به گردن گرفته و نهایتاً چنین تعهدات بزرگی را در دستور کار خود قرار می دادند. لذا شاید بتوان گفت که کشورهای جهان سوم در برابر چنین حوادثی نسبت به کشور قدرتمندی مثل آمریکا بسیار آسیب پذیرترند و قادر نخواهند بود مطالبات مردمی کشورشان را منعکس کنند. از این رو وقوع رخدادهایی اعم از رکود ۲۰۰۸ و حادثه انفجار سکوی نفتی به ما هشدار می دهند که در جریان جهانی شدن و گسترش شرکت های چند ملیتی لازم است نهادی بین المللی تأسیس گردد که در این گونه شرایط، بتواند حقوق مردم جهان سوم را از چنین شرکت هایی بگیرد. برای مثال این نهاد می تواند مشابه دادگاه حقوق بشر باشد - پیشنهاداً تحت عنوان دادگاه اقتصادی. باید توجه داشت در این گونه موارد، اغلب دولت های کشورهای جهان سوم به تنهایی قادر به دست و پنجه نرم کردن با چنین مشکلاتی نیستند و در صورت قادر بودن هم، به دلیل فقدان سیستم های نظارتی احتمال دارد که به جای منافع شهروندان خود در پی امتیازات دیگر مانند امتیازات شخصی و گروهی باشند؛ آن هم در زمانی که شهروندان آن کشورها و بعضاً محیط زیست جهان باید هزینه های مربوطه را بپردازد.

راهکارهای بلند مدت برای سلامت اقتصاد کشور از طریق دل مشغولی هایمان با آنچه گذشت قابل برداشت است، اما در کوتاه مدت از آنجا که تشدید شرایط رکودی از مهمترین پیامدهای افزایش مطالبات معوق در نظام بانکی به حساب می آید، پیشنهاد می کنیم مسئولان، تمرکز خود را به رفع رکود حاکم بر اقتصاد جمع کنند تا از این طریق، آن دسته از بدهکاران خوش حسابی که به دلیل فقدان منابع مالی لازم، توانایی تسویه حساب خود را نداشته اند، با بهبود اوضاع به بازپرداخت بدهی های خود بپردازند و در نتیجه بخشی از حجم معوقه ها کاهش یابد. در اینجا بکارگیری بازار سرمایه ضروری است تا از نشر پول جلوگیری شود. علاوه بر این، نظام بانکی کشور باید با بکارگیری کارشناسان خبره در حوزه های گوناگون، پروژه های مشمول وام را از جنبه های مختلف مورد ارزیابی قرار داده و صلاحیت افراد متقاضی را بررسی کند که آیا می توانند وام خود را در سررسید مقرر بازپرداخت نمایند یا خیر. استفاده

بحث انفجار سکوی نفتی در خلیج مکزیک تاکنون از یک جنبه در ایران مطرح شده و تنها به گزارشات این واقعه و ناتوانی بی پی در مقابله با این موضوع اشاره شده است. اما وجوه دیگری نیز بر این موضوع مترتب بوده و نیازمند نگاه متفاوت تری می باشند. در این رابطه، ابتدا باید به حفاری های جدید در عمق دریاها اشاره کرد که به صورت جدی از سال ۲۰۰۶ در پی افزایش تقاضای جهانی برای نفت انجام گرفته است. از آن پس، در حدود ۴۰ درصد به حجم این نوع حفاری ها افزوده شده که بی پی از شرکت های مطرح در زمینه این گونه حفاری ها به شمار می رود. نکته قابل توجه آن است که این شرکت ها علیرغم دستیابی به چنین تکنولوژی پیشرفته ای، در مقابله با پیامدهای حوادثی همچون انفجار اخیر در خلیج مکزیک آسیب پذیر هستند.

این امر از جهاتی حایز اهمیت است: اول این که وقوع این حادثه تولید کنندگان نفت را در مورد این حفاری ها به تأمل واداشته که این امر می تواند به کاهش عرضه نفت یا افزایش هزینه تولید آن و در نهایت گران شدن جهانی این محصول بی انجامد. به علاوه، این حادثه بر لزوم آمادگی لازم در مقابله با چنین حوادثی همزمان با دستیابی به تکنولوژی های پیشرفته تأکید می کند. در این خصوص، ایران هم باید در تأمین امنیت حفاری های در حال انجام به خصوص در دریای مازندران، دقت کافی به خرج دهد تا از بروز حوادث احتمالی این چنینی و آلودگی های ناشی از آن پیشگیری به عمل آورد.

موضوع بعدی آن است که مشکل فعلی بی پی بار دیگر موضوع مشکلات شرکت های چند ملیتی و دولت ها را در دوره جهانی شدن مطرح می کند. در این دوره، شرکت های فراملیتی از قدرت زیادی برخوردارند، ولی در مقابل، از قوانین، مقررات و محدودیت های خاصی پیروی نمی کنند و اصولاً مرجعی در عرصه بین الملل برای نظارت بر عملکرد این گونه شرکت ها وجود ندارد.

بی پی هم به عنوان یکی از همین شرکت ها با تولید حدود ۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز - بیش از نصف تولید ایران و کل تولید برخی کشورها از جمله آذربایجان و قزاقستان - دومین شرکت نفتی بزرگ جهان به شمار می آید. این شرکت روزانه در حدود ۸/۵ میلیارد متر مکعب گاز تولید می کند. همچنین مالکیت ۱۷ پالایشگاه را داشته و مجموعاً در سراسر جهان حدود ۱۲۰ هزار نفر نیروی کار در اختیار دارد. مجموع دارایی بی پی بالغ بر ۲۵۰ میلیارد دلار است که بر این اساس در ردیف ۸ شرکت بزرگ جهان قرار می گیرد. با این حال، این شرکت، با این عظمت، گرفتار حادثه انفجار سکوی نفتی شد که بر اساس پیش بینی خود